

سالی که در سال است

بسم الله الرحمن الرحيم

فوالله انما
عز عليه او صحت ان يقول ادا
فشي من شئته كما للذبح في
و ما الى الذي رضى بقائه و
تقدر كحبه لا اذن تجر ما
اجت و مع تقصير تجلت صورته

موضع عنا کردم، عزن یعقوب راجور یار سندم، نوحه کوبه
زافکا سندم، سبب زسوقش دی غی خفتم، درد دل را
بکس غی کفتم، در فراقش می سپردم جان،

نوسف مصر آسکارا سندم درد پایم مرا اولستد، دیده ام
بر حال بکستود، مکی مستی سرا بر بود، من در آن صورت
در آن منزلت خیره ماندیم بدین غما زرونه، دل دادید
جام پر ز می ساقی، در زمان باقی بکن تو در باقی، پاره جان

فرا جود رفتن سندم، در زمان من غاندم او می سندم، در
سخن بدش ازین غی کنجد، یک سبب جو را کجا سخند، این
زمان باری سخند کردم تمام، قطعه کار با یه چند کویم و
والسلام، گاه کبی دلم بهی خوا مار، که کند کاشی در جهمان اسرار

گفت باقی تو در باقی



Copyright © King Saud University